

## ۱۱۷ - مدعی ناعق

و نیز در کتاب اقدس است **قوله جلّ و عزّ**: و الَّذِي يَتَكَلَّمُ بِغَيْرِ مَا نَزَّلَ فِي الْوَحْيِ إِنَّهُ لَيْسَ مِنِّي إِيَّاكُمْ أَنْ تَتَّبِعُوا كُلَّ مَدْعٍ اثِيمٍ .

**و در لوحی است قوله الاعلی**: هر نفسی الیوم مدعی امر شود و یا ادّعی باطن نماید او شیطان فئه حقه بوده چنانچه بعضی نفوس در ظاهر بکلمه ناطق اند و در باطن بکلمه اخری مخالف کلمه ظاهر چنین نفسی منافق و کذاب بوده و خواهد بود اهل بهاء نفوسی هستند که هر چه را مخالف ظاهر امر الله بینند او را باطل دانند باطن و باطن طائف حول این ظاهر است طوبی لنفسی وجدت عرف بیان و کانت من الراسخین .

**و در لوحی دیگر قوله الاعلی**: نفوس ملحده بسیار بوده و خواهند بود به خدا پناه برید از شر آن نفوس ، هر نفسی دعوی امری نماید او کاذب و مفتری لدی العرش مذکور است .

**و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز**: ای ناطق به ثنای حق و بلبل گویای حق علیک بهاء الله و ثنائی در جمیع الواح الهی قیام ناعقین و ظهور شیاطین مذکور و مشهور هر نفسی از برای خویش وجودی بیند و خیال تمیز و تفرّدی ، آن آثار نعاق است و علامت نفاق باید شوون خود را فراموش کرد و در مقام فنای محض آمد و الا ملاحظه وجود عاقبت سبب شرک گردد و بادی کفر محض خضوع و خشوع و محو و فنا و اطاعت و انقیاد محبوب و مقبول و البهاء علیک .

**و نیز از حضرت بهاء الله در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ**: اَنَّ الَّذِي يَأْوُلُ مَا نَزَّلَ مِنْ سَمَاءِ الْوَحْيِ وَ يُخْرِجُهُ عَنِ الظَّاهِرِ إِنَّهُ مَمَّنْ حَرَفَ كَلِمَةَ اللَّهِ الْعَلِيَا وَ كَانَ مِنَ الْاِخْسَرِينَ فِي كِتَابٍ مَبِينٍ .

**و در کتاب ایقان است قوله الاعلی**: و این معلوم است که تأویل کلمات حمامات ازلیّه را جز هیاکل ازلیّه ادراک ننماید و نغمات و رقاء معنویّه را جز سامعه اهل بقا نشنود هرگز قبطلی ظلم از شراب سبطلی عدل نصیب

ندارد و فرعون کفر از بیضای موسی اطلاع نیابد چنانچه میفرماید . و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم .

**و در اثری به امضاء خادم است .** و اینکه در فقره تأویل که در کتاب اقدس از قلم اعلی نازل شده سؤال نمودید هذا ما نطق به لسان العظمة مقصود از تأویل آنکه خود را از ظاهر محروم نمایند و از مقصود محتجب مانند مثلاً اگر از سماء مشیت فاعسلوا وجوهکم نازل شود تأویل ننمایند که مقصود از غسل وجه باطن است و باید به آب عرفان او را غسل داد و ظاهر نمود و امثال آن ، بسا میشود نفس باین تأویلات وجهش با کمال ذفر و وسخ آلوده میماند و به خیال خود به اصل امر الله عمل نموده و حال آنکه در این مقام واضح و معلوم است که شستن رو است به آب ظاهر بعضی کلمات الهی را میتوان تأویل نمود یعنی تأویلاتی که سبب و علت ظنون و اوهام نشود ... بعضی از آن نفوس که خود را در ایش مینامند جمیع احکام و اوامر الهی را تأویل نموده اند اگر گفته شود صلوة از احکام محکم الهیه است میگویند بمعنی دعا است و ما در حین تولد بدعا آمده ایم صلوة حقیقی را عمل نموده ایم ... آیاتی که در اوامر و نواهی الهی است مثل عبادات و دیات و جنایات و امثال آن مقصود عمل بظاهر آیات بوده و خواهد بود ولکن آیات الهی که در ذکر قیامت و ساعت و امثال آن چه در کتب قبل و چه در فرقان نازل شده اکثر مأول است و لا يعلم تأويله الا الله .

**و نیز فرمودند:** و اما در بارة تأویل و ادعاء چنانچه مرقوم لا يعلم تأویل بیان الله الا نفسه المهيمنة على الاشياء و الذين فازوا بانوار المعاني و البيان من عنده اولئك يعلمون على قدرهم و مقدارهم كذلك حكم الرحمن و لكن الناس اكثرهم لا يفقهون اين قدر معلوم بوده که آنچه مقصود الهی است در الواح ظاهراً واضحاً معلوم و واضح است و احدی به تأویل کلمات الهیه مأمور نبوده و نخواهد بود نشهد انّ المأولين في هذا اليوم هم المتوهمون از خدا میطلبیم که به حبل تصریح متمسک شویم و در سبیل رضایش با استقامت کبری سالک گردیم و اما در باره ادعا درین مقامات بیانات شئی از قلم مشیت الهیه نازل ولکن این عبد یکی از بیانات رحمن را که به لسان پارسی نازل شده ذکر مینماید تا از برای احدی دیگر مجال تأویل و ادعا نماند و بما هو التصريح عامل شود قوله عزّ اجلاله متوهمین بسیارند و هر یک بوهی مبتلا شده اند ناس را از موهوم منع نمودیم که به سلطان مشهود تمسک جویند بعضی به اوهمات نفسانیة خود تمسک بسته و تشبث نموده اند در تیه وهم سائرند و خود را از اهل مکاشفه دانسته اند در مفازة غفلت ماشی اند و خود را از فارسین میادین شهود

شمرده‌اند لعمری اَئهِم من المتوهّمین اَئهِم من الهائمین اَئهِم من الغافلین اَئهِم من الصّٰغریٰن و آنچه را که صبیان ادراک نموده‌اند هنوز بآن نرسیده‌اند چه که هر صبیّی عالم است بر اینکه اگر هر روز ظهوری ظاهر شود اوامر الهیّه و احکام ربانیّه معطلّ و معوّق و بی‌نفاذ خواهد ماند بگو ای قوم اگر هوی شما را از مشرق هدی منع نموده اقلّاً از انصاف تجاوز ننمائید اگر نفسی فی الجملة منصف باشد هرگز بکلمه که باعث تفریق ناس و احباب شود تکلم نمی‌نماید بلکه بتمام همّت و قدرت در ارتفاع اسم اعظم سعی بلیغ و جهد منیع مبذول میدارد لعمری هُم راقِدون لَو تراهُم بعین الله هُم من المیّتین .

**و قوله الاعلی:** کلمه الهیّه را تأویل نکنید و از ظاهر آن محجوب نمانید چه که احدی بر تأویل مطّلع نه الا الله و نفوسی که از ظاهر کلمات غافل‌اند و مدّعی عرفان معانی باطنیّه قسم به اسم اعظم که آن نفوس کاذب بوده و خواهند بود طوبی از برای نفوسی که ظاهر را عمل و باطن را آمل‌اند .

**و از حضرت عبدالهّاء خطاب به قسیّس الفرد هیلز قوله العزیز:** و اما نصوصی که از کتب مقدّسه اخراج نموده بودید آنچه بعلم صحیح و عقل و حکمت الهیّه مطابق آن نصوص بحسب ظواهر است و اما نصوص دیگر کلّ تأویل دارد تأویل مطابق عقل و علم و حکمت است .